



تحلیلی از نهضت امام حسین (ع) و

حماسه جاویدان «طف»

● پیمان ترك مغاصمه امام مجتبی (ع) با معاویه عینا پیمان ترك مغاصمه‌ای است که پیامبر در «حدیبیه» با مشرکان بست و درست همان آثار و نتایج موفقیت-

امیر را به دنبال داشتیم

که ماهیت اعتقادی و سیاسی بوده و هدفش تدارک نیروی مبارز پیروزمندی بود که قادر به جهاد مسلحانه باشد و بهمین جهت آثار و نتایج این حرکت چه قبل از شهادت و چه بعد از آن مستقیماً روی توده های مردم مشهود گشت و به تغییرات، اعتقادی، اخلاقی، فکری و سیاسی منتهی گردید به همین دلیل حرکت امام حسن و امام حسین همان حرکتی است که پیامبر در دوره مدینه‌مکی دنبال می کردند، چرا که مجاهدات پیامبر در آن دوره صرفاً اعتقادی، سیاسی

زمینه انتخاب کرد، تاکتیکی بود با اصول و هدفهای مشترک و ماهیت واحد که از جانب امام حسن و امام زین العابدین هم کاملاً برسمیت شناخته شده بود و دنبال گردید، در آن میان جهاد یکروزه سید الشهداء در عاشورا با عملیات مسلحانه استثنائی آمیخته است که آن هم مبارزه مسلحانه تدافعی و ضد تجاوزی بوده که نتیجه قهری مبارزه دیرینه او و امام سابق بشمار میآمده است، حرکت امام حسین در ادامه حرکت امام حسن، جهادی را تشکیل میدهد.

نگاهی به شیوه جهاد انمه یکی از مسائل مهمی که در تحلیل مسائل تاریخی همواره باید مد نظر بداریم، اهتمام ورزیدن به تحرک و سر نیروهای اجتماعی در هر مقطع تاریخی می باشد. و حال که می خواهیم در خصوص حرکت تاریخی اسوه شهادت شیعه حسین بن علی (ع) بحث کنیم ضرورتاً باید کمی قبل از حرکت ایشان را نیز مورد بحث قرار دهیم، چرا که این خود راهنمای خوبی است در شناسائی خط مشی و شیوه‌ای که ایشان در مقام رهبری در پیش پای نیروی اجتماعی «مومن، مبارزه» زمان خویش قرار دارند.

پس از شهادت امام علی (ع) رهبری نیروهای اجتماعی‌ای را که پس از پیامبر همواره با بازگشت جاهلیت مبارزه می کردند، امام حسن مجتبی (ع) به عهده گرفتند.

گرچه شیوه ایشان در ظاهر با قبل کمی فرقی داشت (در ظاهر البته) ولی هدف همان هدفی بود که رزمندگان تحت فرمانش در زمان امامت امام علی (ع) تحت فرمان ایشان داشتند. این اهداف را بطور کلی میتوان اینگونه بیان داشت.

۱- مبارزه و شکست بازگشت کنندگان به جاهلیت و فرهنگش در جهت احیای اسلام
۲- زدودن آثار فرهنگی جاهلیت و بنیاد بر جهت اعتقادی.

۳- تجدید حیات اسلام اصیل و برقراری حکومت اسلامی پیامبر.

اولین حرکت امام حسن مجتبی (ع) استفاده از شیوه های پدر بزرگوارش امام علی (ع) بود یعنی جهاد مسلحانه در راه براندازی متجاوزین و طاغوت، اما پس از چند ماهی که با نگرانی از کارائی و صلاحیت اعتقادی، اخلاقی نفراتش به کار بسیج پرداخته بود یقین کرد که نیروی طوفاندار و زیرفرمانش از عهده شکست دادن متجاوزین بر نمی آید و با چنین وضعی جنگ «در پیش» تدارک دیده شده دیدند، آن راستین را به پیش می دهد و به پیروزی بلامناز با منافقان، تجاوزکار رجعت طلب می انجامد، همان صورت، بانه «سفیانی» خواهند توانست حتی آثار جزئی اسلام را از بین ببرند. در این حالت بود که برای امام (ع) لشکی نماد که جنگ و ادامه شیوه «پدر» که شیوه‌ای مسلحانه بود به زبان اسلام خواهد بود و این چنین بود که امام حسن (ع) تصمیم به تغییر شیوه جهاد گرفت و از آن پس به جای جهاد مسلحانه به جهادی غیر مسلحانه همت گمارد که در حقیقت از قدرت اعتقادی، سیاسی بسیار بالایی برخوردار بود، و دارای خاصیت تدارک و تربیت نیرو بود، شیوه‌ای را که امام حسن در این



و اخلاقی بوده که برای تربیت نیروی مجاهدی صورت میگرفته که بتواند دولت مدنی را تأسیس کند و روشن است که ماهیتا جنبه مسلحانه نداشته است. و همان تائیدی است که علی ابن ابیطالب در دوره مدینه سقیفه تا خلافتش برگزید.

پیمان ترک مخاصمه امام مجتبی با معاویه عینا پیمان ترک مخاصمه ای است که پیامبر در «حدیبیه» با مشرکان بست و درست همان آثار و نتایج موفقیت آمیز را بدنبال داشت که در دوران امام زین العابدین (ع) به خانه تحکم نشست. شیوه پیامبر در حدیبیه و حرکتی را که امام حسن و امام حسین آغاز کردند هر دو بر اصل کسب پیروزی های سیاسی-ایدئولوژی بعنوان مقدمه پیروزی نظامی مبتنی بوده است، آنچنانکه صلح حدیبیه مقدمه درهم شکستن ستون فقرات شرک بود، حرکت امام حسن و امام حسین نیز در جهت آگاهی توده ها مقدمه در هم شکستن نظام ضد اسلامی اموی از جانب توده های مردم بشمار می آمد. و این مسئله از جانب قرآن نیز مورد تأیید قرار گرفته است. وقتی پیامبر صلح حدیبیه را با کفار و مشرکین مکه انعقاد نمود، آیه شریفه «انا فتحنا لک فتحا مبینا نازل گردید یعنی ما فتحی درخشان برایت پدید آوردیم».

پس تا اینجا می توانیم این نتیجه را بگیریم که از ویژگیهای جهاد ائمه اطهار (س) همسایگی نقش ائمه با یکدیگر و با پیامبر است که این خود تابع دو عامل است.

۱- وظیفه امامت بعنوان عامل ثابت.
۲- نیروی اجتماعی مددکار بعنوان عامل متغیر که از عهده مبارزه مسلحانه و انقلاب اجتماعی برآید. و بر اثر تغییر عامل فوق است که امام به جهاد ترتیبی یا مسلحانه است دست می یازد. حرکت امامت «شیعی از بدو آغازش در یک تطابق کلی با حرکت پیامبر در مجاهدت می باشد و لذاست که انفکاک، این حرکات متوالی عقلا کار صحیحی نیست، چرا که ائمه (ع) یکدوره تربیتی از سقیفه تا خلافت امام علی (ع) داشته اند که معادل دوره مکی پیامبر است. و پس از آن یکدوره مبارزه کلی با جنبه مسلحانه داشته اند. جنگهای جمل و صفین و نهروان که با بخش اول دوره مدنی تا صلح حدیبیه مطابقت دارد و پیمان ترک مخاصمه امام مجتبی با پیمان ترک مخاصمه جد بزرگوارش در انطباق کامل است.

امام حسن (ع) هم دقیقا در اینکه همان رویه را دارد بروشنی تا کیروز زنده اند «اریدان امر بالمعروف و انهی عن المنکر» می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم (جهادی مکتبی-سیاسی) و در توضیح و توجیه آن می افزاید که «اسیر بسیره جدی و سیره

ابی علی ابن ابیطالب» (۱) به شیوه جدم و شیوه پدرم علی بن ابیطالب عمل میکنم، یعنی به شیوه پیامبر در دوره مکی و موقعیتهای خاصی از دوره مدنی و شیوه علی ابن ابیطالب در دوره سقیفه تا خلافت. و امام حسین (ع) درست در همین راستا حرکت کردند چرا که وظیفه امامت مانند پیامبر این است که در ذهن مردم (از طریق رهبری اعتقادی) و در عین واقعیت اجتماعی (از راه حکومت و رهبری سیاسی و نظامی) اثری رشد یابنده بگذارد و به این منظور در کنار حفظ آثار و میراث ذهنی و عینی اسلام، از بین رفته ها را احیاء و تجدید کند، به کسک قرآن و با تفسیر منفتح و روشنگر از عقاید مردم را بگونه اسلامی در آورند و بایشان جهان بینی اسلامی را بیخشد و از انحراف اعتقادی پیشی گیرند، و در قسمت عینی و اجتماعی، رفتار مردم را

دو سند مذکور است. یکی نامه به معاویه و دیگری نطق معروفی که در او امر سلطنت معاویه در مراسم حج ایراد میفرمایند، نامه را بعد از رحلت امام مجتبی و بهنگام امامت خویش نوشته:

«الَّتِ قَاتِلَ حَجْرَبِ بْنِ عَدِي وَاشْحَابِهِ الْمُصَلِّينَ الْعَابِدِينَ، الَّذِينَ كَانُوا يَنْكُرُونَ الظُّلْمَ وَاسْتَفْظَعُونَ الْبِلَادَ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَا يُخَافُونَ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَانِم...»

«مگر تو قاتل حجر بن عدی و رفقای عابد ثابت قدمش نیستی، قاتل مردانی که از پیدایش رویه های بدعت امیر خدا اسلامی ناراحت و بی آرام بودند و دستور تبعیت از رویه معروف اسلامی (یعنی سنت) میدادند و از رویه زشت و ناروای نوپیدا (بدعت و منکر) برحذر میداشتند، آنانرا پس از دادن امانهای سوگند بسوگند محکم شده، بطور مستمرگانه

حرکتی را که امام حسین (ع) برای نابودی جاهلیت نوین و احیاء قرآن و سنت پیامبر آغاز مستلزم بوجود آمدن ۲ مقدمه بود.

۱- ایجاد زمینه ذهنی تحول ۲- ایجاد زمینه عینی تحول

و تجاوزگرانه گشتی و با این عمل نشان دادی که در برابر خدا گستاخی و پیمانش را خوار میداری، مگر تو قاتل عمرو بن حمق نیستی، همان مردی که بسیاری عبادت پیشانی را فرو برده بود، پس از دادن امانهای سوگند و سپرده تعهداتی که اگر به احوان بیابان داده شود، باوردارند و از فرار کوهستان ره تسلیم پویند، او را به قتل رسانیدی و...» (۲)

و در نطق مشهوری که در «منا» با حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر از معارف و علما و مردان ستفذا ایراد کرده به تحقق کلی احیای اندیشه جاهلی و مساله تبعیض گرانی که از مظاهر بارز ارتجاع است اشاره نموده خویشتن و همه مسلمانان مخصوصا علمای دین را موظف به جهاد صبه جنبه بر علیه اندیشه جاهلی داشته است و مساویه را (طایفه) به معنی دیکتاتور که بیشتر در مورد امپراطوران ایرانی و روم بکار میرفته خوانده است با توجه به تفاوت عظیم نظام سیاسی اسلام با دیکتاتوری امپراطوری رم و تضاد «ولایت» اسلام با مقام و اختیارات و اقتدارات پادشاهی و امپراطوری، که با مقایسه رابطه «امام» و «ولی» با «امت» (۳) در رابطه امپراطوری با رعایا، بی می بریم که حاکمیت و درت بزیند

بر موازین و دستورات الهی انطباق دهند و نظام سیاسی، قضائی، دفاعی اسلام را در جامعه برقرار گردانند و تمامی ائمه در این مسیر با پیامبر خدا یکسانند.

امام حسین شاهد جاهلیت نوین و قهرمان افشاگری و جهاد

گواهی هائی را که امام حسین (ع) در مقاطع مختلف بر رجعت به جاهلیت و ماقبل از اسلام داده است، ایشان را در تاریخ تشیع به عنوان قهرمان افشاگری و جهاد سیاسی بر ضد طواغیت معین کرده است، در طول تاریخ امامتش گاه به همه مسلمانان یادآوری میکند که بر ضد رجعت، و به منظور احیای سنت و تجدید برقراری رویه و نظامات اسلامی بگوشند و زمانی به دانشمندان و روحانیون هشدار میدهند که مسئولیتشان سنگین تر است. و دیگر بار خویش را از هر کس سزاوارتر و پر مسئولیت تر میداند در دوره معاویه او را بخاطر سعی در محو احکام قرآن و سنت پیامبر بخاطر زیرکی اش خطرناک احساس میکند و مردم مخصوصا معارف و علما را موظف به مبارزه بان میداند. این مسائل در



«طاغیه» برامت اسلامی حکایت از چه بازگشتی به جاهلیت دارد، هم اکنون اگر به کشورهای مرتجعی چون عربستان بنگرید و رابضه «حلقه» سعودی را با مردم در قیاس با «امام حسینی» با مردم بشکریم تفاوت و شکل قیاس را درمی یابیم.

بخشی از سخنان امام دهمین رابضه

«بخشم خود می بینید...» همان است که در برابر خدا شده (یعنی قراردادهای اجتماعی که نظارت و مناسبات جامعه اسلامی را میسازد، همچنین پیمانی که معاویه با امام مجتبی بسته و در حقیقت تعهدی در برابر خداست) همگی را گسیخته و زیر پا نهاده است، تعهداتی که در برابر پیامبر انجام گرفته مورد بی اعتنائی است. سیاست، لالی ها و زمینگیران ناتوان در تمام شهرهایی سرپرست ماندند و برانها ترحم نمی شود، جریان اداری کشور و صدور احکام دادگاهی و تصویب برنامه های کشور باید بدست دانشمندان روحانی که امین احکام الهی و دانی حلال و حرامند سپرده باشد، اما اینک مقامتان را از شما باز گرفته اند. اگر شما مردمان بودید که برشکنجه و ناراحتی شکنجا بودید و در راه خدا حاضر به تحمل ناگواری می شدید، مقررات برای صورت پیش شما آورده میشد، اما شما به ستمکاران مجال دادید تا این مقام را از شما بستانند و گذاشتند حکومتی که قانوناً مقید شرع است نسبت ایشان بیفتند...» و در نطق مهمی که در «بیضه» در راه مکّه به کوفه پس از برخورد با واحد پستاز یعنی «حر» و افرادش ایوب کرد برهنه و زانده کلی پیامبر مسمی برجهاد بر علیه بدعت گذاران و ستمکاران و جاهلیت طلبان تاکید ورزید، و اینجس تا آنجا که توانست با در نظر گرفتن شرایط، مسیر حرکت خویش را تعیین کرد، و در افشای ماهیت رژیم اموی سعی کرد و سعی کوشید تا شهادی باشد پوششهای مظلومانه خویش در تمامی طول تاریخ.

امام حسین اسطوره امر به معروف و نهی از منکر

اگر به زندگانی نامه علیه السلام نظری بیفکنیم جملگی را پیشوایانی می یابیم که یکی از وظایف خویش و امت اسلامی را در امر و نهی مداوم به یکدیگر می دانسته اند، ولی در آن میان امام حسین بخاطر نقش تاریخی ای که ایفا کرده بارزتر گردیده است.

حسین بن علی (ع) در همه نطقها و نامه های رسمی و در وصیت نامه اش بر سنت پیامبر تاکید

ورزیده و بیروزی از آن را معروف و سر بیجی از آن را منکر دانسته است، در دوره اول تاریخ اسلام آنچه بعنوان «معروف» مورد تائید و تشویق و امر قرار میگرفت رویه ها و سیاستهای موثر و مهم سیاسی، اقتصادی، قضائی و فرهنگی پیامبر بود و آنچه بعنوان «منکر» مورد نکوهش و پرهیز و طرد و رد واقع میشد رویه های بدعت آمیز ضد سنت بوده است. در این باره امام حسین در معاویه که ذکرش بدست حجت بن عتی و یارانش و عمرو بن حق را «امر به معروف و نهی از منکر کننده» خوانده است و متذکر گشته که با رویه های ناروا و ضد سنت، حکام و دستگاه حاکم مخالفت و مبارزه داشته اند در دوران سلطنت یزید، نخستین باری که از معروف و منکر یاد کرده، روزهای اول سلطنت یزید بوده و بلافاصله پس از پیشنهاد فرماندار نایز بر بیعت با یزید، شبانه بر سر مزار جدش پیامبر میاید و ضمن شکر از اوضاع چنین راز و نیاز می کند، که «خدا یا

به نهضت بر بسته ام که کار ملت جدم (ص) را بصلاح ارم و اصلاح گردانم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به شیوه جدم و پدرم علی بن ابیطالب عمل کنم...»

و بیروصوح است که «منکر» کنونی که امام بر علیه آن دست به جهاد زده، فساد اوضاع اجتماعی ملت جدش (ص) بوده است و «مَعْرُوفُ» جامعه مطلوب و اسلام پسند، مفهوم می باشد کلام امام این است که اکنون که سال ۶۰ هجری است فساد عقیدتی، سیاسی خطرناکی در جامعه شیوع و سیطره پیدا کرده که بایستی امام با آن مبارزه کند، تا حال ملت اسلامی به «صلاح» آید، و صلاح جز دگرگونی در نظام اقتصادی، سیاسی، قضائی، فرهنگی و اخلاقی جامعه میسر نیست چرا که «صلاح» عبارتست از تطبیق نظامات اجتماعی اسلام بر جامعه فرامعه مسلمانان و بپراستگی عقایدشان از خرافات و اوهام و باورهای سخیف و نهایتاً اینکه

گواهی هائی را که امام حسین (ع) در مقاطع مختلف بر رجعت به جاهلیت و ماقبل از اسلام داده است ایشان را در تاریخ تشیع به عنوان قهرمان افشاگری بر ضد طواغیت معین کرده است

رشد یافته ترین شکل امر به معروف و نهی از منکر، در جهادی متجلی که ماهیتا جنبه ایدئولوژیکی و سیاسی دارد، و خلاصه اینکه امام با حرکت خویش تبیین دقیقی از امر به معروف و نهی از منکر که یک قاعده فرعی مکتب است در رابطه با اصول و پایه های مکتب ارائه میدهد، امام نشان میدهد که «امر به معروف و نهی از منکر» تداوم دار جامعه نهایتاً «بیروزی» «حق» و «ذموق» باطل را به دنبال دارد.

«هدف» حمایت از دین خدا و پیامبر

آنچنانکه قبلاً توضیح داده شد، هدف نهائی امام کاملاً مشخص بود نابودی جاهلیت نوین در تمامی اشکالش و احیاء قوانین قرآن و سنت پیامبر (ص) این حرکت مستلزم بوجود آوردن دو مقدمه است:
 ۱- ایجاد زمینه ذهنی تحول.
 ۲- ایجاد زمینه عینی تحول.
 به این ترتیب هدف امام عبارت بود از حمایت بقیه در صفحه ۷۹

میدانی که من معروف را دوست میدارم و از منکر متنفرم، من از توای خدای پرشکوه بخشایش گر می خواهم که بحق این مزار و آنکه در آنست راهی پیش پیام بگذاری که مایه خوشنودی تو و پیامبرت باشم...»
 باز در سخن «منکری» که اینک بعد از زمامداری و سلطنت معاویه بدید آمده و امام حسین مانند هر منکر دیگری از آن ابراز انزجار می کند و از خداوند برای مبارزه با آن چاره جوئی می کند، شیوه و روشهای حکومتی است، که جاهلی ترین روشهای حکومتی است.

چند روز بعد وصیت نامه معروفش را به محمد بن حنفیه می نویسد و مبارزه اش را «امر به معروف و نهی از منکر» قلمداد میکند.
 «... اِنِّی لَمْ اُخْرِجْ شَرّاً وَ لَمْ اُطْرَأْ وَ لَمْ یُفْسِدْ وَ لَاطْلَامَا وَ اِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاِصْلَاحِ... فِی اُمَّةٍ جَدَّتْ صَلَی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ بِالْمَعْرُوفِ وَ اِنِّهِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اَسْبَغْتُ بِسَبْرِ جَدِّی وَ اَبِی...»
 «من گردنفرزانه و بوالهوسانه قیام نکرده ام و نه زنجارانه و ستمکارانه، بلکه فقط به این خاطر کمر

طرح سیلوهای سه گانه تبریز - تاکستان - رشت

ماهر - ۱ نفر مهندس - ۲ نفر تکسین - حدود ۳۰ نفر تیم فنی نصب ماشین آلات.
کارگاه سیلوی تاکستان ۱۸۱ کارگر ماهر و نیمه ماهر - ۱ نفر مهندس - ۲ نفر تکسین
کارگاه سیلوی رشت ۱۱۲ کارگر ماهر و نیمه ماهر - ۱ نفر مهندس - ۲ نفر تکسین
دفتر مرکزی حدود ۲۵ نفر عضو کارمند - ۱ نفر مهندس - ۵ نفر تکسین
جمعا حدود ۶۵۰ نفر مشغول بکار میباشد.
یک نمونه کوچک مقیاسه عملکرد جهاد و شرکت انگلیسی آر.جی.اس.

عملکرد شرکت آر.جی.اس در کارگاه سیلوی تاکستان از تاریخ ۵۹/۱/۱ لغایت ۵۹/۴/۳۱ در طول چهارماه با پرسنلی برابر ۱۹۱ نفر (گزارش پرسنلی ماه خرداد سال ۵۹) حدود ۳۷۸ متر مکعب بتن ریزی در قسمتهای پایین و پی ریزی و در سطح زمین برج کار، ساختمان صادرات، تخلیه واگن و پی ریزی تعمیرگاه سیلو بوده است. لازم به توضیح است که هزینه حقوق فقط در یکی از چهار ماه فوق بالغ بر نه میلیون و یکصد سیزده هزار و شصت و هفتاد و هفت ریال شده است.

عملکرد جهادسازندگی در کارگاه تاکستان فقط در فروردین و اردیبهشت سال ۶۱ با ۱۳۰ نفر پرسنل بالغ بر ۳۲۰ مترمکعب بتن ریزی در ارتفاع بالا در ساختمانهای برج کار، ساختمان صادرات، تخلیه واگن و پی ریزی ساختمان اداری بوده است و جمع هزینه حقوق در دو ماه فروردین و اردیبهشت سال ۶۱ برابر نه میلیون و پانصد و دوهزار و هفتاد و هفت ریال یعنی معادل نصف هزینه شرکت انگلیسی شده است. من... توفیق قائم مقام مجری طرح سیلوهما

پرداخت نموده است.

بررسی نمودار پیشرفت مالی پنج ماهه اول سال ۱۳۶۱ نشان دهنده رشد بسیار مناسب و سریع عملیات میباشد و طی چهار ماه اول سال ۱۳۶۱ حدود چهل میلیون تومان کار انجام شده است.

از حساسترین مقاطع کارسیلوهما بتن ریزی کندهای عظیم بتنی با سیستم قالب های لغزنده میباشد که نمونه ای از آن سری نه تائی کندهای میانی سیلوی تبریز (دوسری نه تائی کندهای طرفین قبالا توسط مقاطعه کار انگلیسی آر.جی.اس اجرا گردیده بوده) با ارتفاع حدود ۶۰ متر با برنامه ریزی تدارکاتی بسیار منظم بحول و قوه الهی در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۱۹ شروع گردید و بطور شبانه روزی و بدون وقفه بتن ریزی آن ادامه و در مدت ۱۹ روز با موفقیت و کیفیت بهتر و با هزینه ای به مراتب کمتر از مقاطعه کار انگلیسی آر.جی.اس پایان میرسد.

بتن ریزی دومین سری نه تائی کندهای بتنی متعلق به کارگاه تاکستان از روز دوشنبه مورخ ۶۱/۶/۲۲ شروع و با موفقیت و در طول ۱۷ روز پایان میرسد.

هم اکنون (طبق آخرین گزارش) مجری طرح سیلوهما با وضعیت:

کارگاه سیلوی تبریز ۲۹۰ کارگر ماهر و نیمه

نسبتا بالا و با توجه به اینکه همواره این مقاطعه کاران غارتگر بین المللی بوده اند که در این مملکت سیلو میساخته اند و تا کتون مهندس و تکسین و کارگر این مملکت خود راسا سیلو بود و اقدام جهاد در قبول این مسئولیت خطیر منکی برایمان و اعتماد بنفس و رهنمودهای امام بزرگوار انقلاب اسلامی بود هیئت مجری طرح سیلوها اقدام به تدوین آئین نامه خاص و جذب نیروی انسانی لازم و سازماندهی آن میشود.

مجری طرح سیلوهما پس از تدوین آئین نامه عملا کار خود را با شصت میلیون تومان اعتبار تامین شده سال ۶۰ شروع و کارگاه راکد سیلوی تبریز را در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۶۰ و بهمین ترتیب کارگاه تاکستان را در ۱۰ اسفند همان سال و کارگاه رشت را در اول خرداد ماه ۱۳۶۱ تحویل و مشغول راه اندازی و تکمیل میشود.

برنامه پیشرفت کار سال ۶۱ مورد مطالعه قرار گرفته و پس از تنظیم برنامه زمان بندی مقدار بودجه مورد نظر برای سال ۶۱ محاسبه و طی رقمی حدود یکصد و هشتاد میلیون تومان جهت تامین به سازمان برنامه اعلام میگردد.

سازمان برنامه و بودجه پس از بررسی آنرا تصویب و در مرحله اول حدود (پنج دوازدهم) آنرا از طریق ذیحصایی سازمان برنامه به جهاد سازندگی

۶ - بنظر شما نقش مردم در هر چه مردمی تر شدن این ارگان چه میتواند باشد؟

۷ - نظارت مردم بر کار این ارگان به چه صورت میتواند صورت گیرد؟

۸ - اگر نظارتی برای مؤثرتر شدن کار این ارگان دارید، بنویسید.

۹ - بنظر شما تشکیل این ارگان تا چه حد میتواند در ایجاد امنیت اجتماعی مؤثر افتد؟

خیلی متوسط کم

۱۰ - بنظر شما در میان ارگانهائی که تا کتون کار اطلاعاتی انجام داده اند، کدام موفق تر بوده اند؟

۱۱ - بنظر شما چه خطراتی ممکن است دامنگیر این ارگان شود و راه جلوگیری از آن چیست؟

۱۲ - راجع به چگونگی کسب اطلاعات در جامعه صدر اسلام «زمان حکومت پیغمبر (ص) و علی (ع)» و یا روش اسلامی کسب اطلاعات اگر سخنی دارید بنویسید.

لطفا پاسخ سئوالات کلی را همراه با متن نامه در ورقی جداگانه برای ما ارسال دارید.

با تشکر

بخش سنجش و نظرخواهی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی

حماسه جاویدان... فزنی

گرداند... بخش فزنی آن عبارت بود از بهبود منقذات و رفتار و اخلاق و بازآوردن آن بصورتی که خدا و پیامبرش گفته اند، و این است تفسیر کلام امام به اینکه «از دین خدا و پیامبر حمایت کنید. هدف زینده او جز این نمی توانست باشد، کسب ثواب آخرت یا جلب رضای پروردگار، تحصیل خوشنامی و افتخار هرگز نمی توانست هدف قرار گیرد زیرا اینها نتایج تبعی و طبیعی هدف اصلی است، امام میباید حتما پیروز میشد، و پیروزمندیش بهمین معنی بود اگر «بهشتی» شدن از طریق جانبازی بعنوان پیروزی بشمار آید باید متوجه بود که بهشتی شدن تنها به شرطی به تحقق می پیوست که با مجاهدت و در تحقق همین هدف عینی و محسوس اجتماعی کوشیده باشند، زیرا فداکاری و جانبازی هنگامی از طرف خدا بارضا و بهشت پاداش داده میشود که برای تحقق این هدف الهی انجام شده باشد.

والسلام

دین خدا و پیامبرش در دو زمینه فزنی و عینی، در آخرین دقائق رزم «طفه» پس از نماز ظهر در دستور ادامه پیکار به طرفدارانش می فرمود که «از دین خدا و پیامبرش حمایت کنید» هرگاه بخشی عین آن به تحقق پیوسته و جامعه دگرگونی مطلوب را میبافت مردم به خوشبختی می رسید و در صورتی که مردم از حمایت امام پا به دامن می کشیدند و در پیروزی او همت به خرج نمی دادند بدبختی این جهانی و آن جهانی را به دست خویش فراهم کرده بودند و این نکته ایست که امام در نطق «بیضه» به آن اشاره کرد: «مردم پیامبر خدا گفته هر کس قدرت حاکمه جاری را ببیند که آنچه را خدا حرام کرده حلال و روا می داند، تعهداتی را که در برابر خداوند داشته نقض می کند، مخالف سنت و رویه پیامبر، رفتار می کند، سیاستش نسبت به بندگان خدا نگاهارانه و تجاوزکارانه است، و با این همه نه عملا و نه از راه تبلیغات بر آن نشورد سزاست که خدا او را برسنوشتی مانند سرنوشت و کفر صاحب آن قدرت حاکمه دچار